

قابسی و طرح سوادآموزی همومی

ابوالحسن علی بن محمد بن خلف المعافری قیروانی معروف به القابسی دراصل از قریه معافر از توابع قابس بوده و لقب او نیز به همین مناسبت می باشد. قابس در شمال آفریقا و جنوب شرقی تونس و در کنار دریای روم واقع است. فاصله آن تا قیروان دو منزل و به گفته «یاقوت» دارای باغات مرکبات، توت، زیتون، موز، نخلستانها و مزارع نیشکر بوده و تجارت آن نیز اهمیت داشته است. بگری (متوفی ۴۸۷ یا ۴۹۶) می گوید: قابس شهری است زیبا، دارای قلعه ای محکم و باغها و مسافرخانهها و مسجد جامع و گرمابه های فراوان و گرداگرد آن را خندق بزرگ احاطه کرده و در مواقع ضرورت آن را از رودخانه ای که هم نام شهر است و موجب آبادی، انباشته می سازند و در پناه آن از تعدی و تجاوز دشمن مصون می گردند^۱.

قابسی به سال ۳۲۴ هجری قمری در قیروان به دنیا آمده و در همانجا بزرگ شده است. صفندی از قول ابوبکر صقلی، دوست نزدیک قابسی، می نویسد: «به من و تو تهمت زده اند، زیرا به من قابسی گفتند در صورتی که متولد قابس نبودم بلکه

قیروانی هستیم؛ به تو هم صقلی گفتند اما تو هم صقلی نیستی. پدرت به میهمانی به آنجا مسافرت کرد و بدین مناسبت تو را هم صقلی لقب دادند^۲.

قیروان پس از بنای اولین مسجد به وسیله عقبه بن نافع، سردار معروف عرب، به سال ۵۵ هجری یکی از مراکز علوم اسلامی در اندلس گردیده و در جهت گسترش اصول و عقاید و فرهنگ اسلامی نقش ارزنده‌ای داشته است^۳.

قابسی با وجود این که در همان دوران کودکی از نعمت بینایی محروم شد، اشتیاق شدیدی به علم داشته و پس از تحصیل در زادگاه خود و حضور در حلقه درس اساتید مشهور که اسامی آنان در «الذیاج المذهب فی علماء المذهب» ابن فرحون (متوفی ۷۹۹ هـ) مضبوط است^۴، در ۲۶ سالگی برای انجام مراسم حج رهسپار کعبه گردید و در همان جا در درس ابوزید (متوفی ۳۷۱ هـ) حضور یافت و صحیح بخاری را تلمذ نمود. در جهت وسعت بخشیدن به اطلاعات خود در زمینه حدیث، مدت دو سال در مصر اقامت گزید و پس از آن به قیروان مراجعت نمود. ابن خلکان تاریخ زیارت حج او را ۳۵۵ هجری و مراجعت او را به قیروان ۳۵۷ هـ قید کرده است^۵.

در این عصر مراکز علمی در جهان اسلام در حال گسترش بود و هر کدام از این مراکز در رشته‌هایی از علوم اسلامی معروفیت خاصی داشتند. بدین مناسبت، مسافرت و حضور در حلقه‌های درسی یا دسترسی به کتاب‌ها اهمیت فراوانی داشت و اغلب دانشمندان معروف اسلامی همچون فارابی، امام محمد غزالی، ابن خلدون، خطیب تبریزی، ناصر خسرو که در مسیر این مسافرت‌ها بودند می‌توانند شاهد بر مدعا باشند. در غرب نیز با همین مقصود و مقصد کاروان‌هایی در حرکت بودند، حتی دانشمندان مسیحی تا اسپانیا در جهت کسب و تحصیل علوم رنج مسافرت‌های سخت را بر خود هموار می‌کردند. در حلقه درس ابن رشد اندلسی از این افراد فراوان بودند که ضمن سیاحت، در درس این فیلسوف بزرگ اسلامی حضور می‌یافتند و درك محضر وی را برای خود همواره افتخار می‌شمردند^۶.

قابسی به عنوان يك محدث و فقیه و متكلم و معلم از سوی علمای زمان خود پذیرفته شده است. درس او جالب و جذاب بوده و از علمای مشهور اسلامی طلابی داشته که اسامی آنان در نفع الطیب مقری مذکور است. تذکره نویسان از بیش از ۱۵ کتاب شناخته شده او که اغلب در اصول عقاید و عبادات و حقوق اسلامی است نام می‌برند.^۷ اثری نیز در مورد تعلیم و تربیت تحت عنوان: «الرسالة المفصلة لاحوال المتعلمين و احكام المعلمين و المتعلمين» قید نموده‌اند. محتوی و نکات دقیق این رساله بیانگر لیاقت و توانایی علمی و نظرات تربیتی و شاخص وسعت اطلاعات این دانشمند مالکی مذهب می‌باشد.

قابسی در تنظیم رساله تربیتی خود از «آداب المعلمين» ابن سحنون (۱۶۰-۲۴۰ هجری) سود جسته است. ابن سحنون که پس از سیر و سیاحت در بلاد اسلامی در قیروان تونس ساکن و به کار تدریس اشتغال داشته در تألیف اثر خود از لسدین فرات الهام گرفته است. این شخص در حمله اسلام به سیسیل همراه قشون بوده و در پالمو کشته شده است.^۸ بایک بررسی دقیق در این آثار، می‌توان اصول تعلیمات سده‌های نخستین اسلامی را تعقیب نمود، اما در این زنجیره نقش قابسی در تعلیم و تربیت اسلامی با شرح و بسطی که داده و شواهدی که از احادیث آورده و تطابقی که با فقه اسلامی کرده اهمیت فراوانی دارد. به سبب همین خصوصیات می‌باشد که نوشته‌های وی در بین آثار مشابه خود شاخص است و هنوز هم مورد توجه می‌باشد.^۹

قابسی در «الرسالة المفصلة...» خود از میان مسایل مختلف به ایمان باطنی و قبول و حرکت و عمل اعتبار خلصی قایل است و همین را در موفقیت اساس می‌شمارد. او ضمن ترسیم نقش تعلیم و تربیت در فلاح و گمراهی فرد و اجتماع، آموزش قرآن و طلب علم را فرض و فضیلت قید می‌نماید.^{۱۰} در اقدام و انجام این فرض نقش و وظیفه اساسی به عهده والدین است. برنامه و نوع علوم، شرایط معلم و رفتار و مناسبات جاری به‌طور مجزا مورد بحث و بررسی قرار گرفته و همه این

گفتار مستند به آیات و احادیث بوده و از اعتقاد و ایمان قلبی به خدا و اسلام سرشار است .

کار تعلیم از وظایف اصلی پدر است و این امر بر او فرض بوده و مکلف به انجام آن می‌باشد . طفره رفتن و گریز از آن بدون دلیل و عذر نامقبول خواهد بود . در صورت ناتوانی ، این وظیفه به عهدهٔ مسلمین گذاشته شده است . اگر چه در مذهب مالکی در آموزش‌ها حتی در تعلیم قرآن دریافت اجرت بلامانع است ، اما تأکید دارد که این تعلیم لازمست به صورت رایگان باشد تا بدین وسیله هر گونه ممانع در مسیر تعلیم برای همه مرتفع گردد و عدم استطاعت مالی موجب ضایع شدن اطفال و سدی در بروز استعدادها نگردد و ملت اسلامی در جهالت نمانند^{۱۱} .

در طرح عمومی سوادآموزی و جدی شمردن اجرای آن ، ابعاد مسئله را به طور دقیق و عمیق بررسی نموده ، ولی یا وصی و ، در صورت نبودن آنان ، مردان داوطلب صالح را در این امر مکلف داشته است . در آموزش اطفال واجب التعلیم هیچ گونه اغماض و چشم‌پوشی از سوی قابسی ملاحظه نمی‌گردد . در تعقیب مسئله تأکید می‌نماید در صورتی که افراد فوق‌الذکر نباشند ، این فرض به‌دমেٔ حاکم است . ترتیب کار را او می‌دهد . اگر وجود نداشت و یا مشغلهٔ او زیاد ، لازمست شورایی کار تعلیم اطفال را تنظیم و انجام آن را ترتیب دهد . با این محکم کاری و تأکید و بررسی ابعاد و مشکلات گوناگون و رهنمودهای عملی ، ضمن اعلام مسئولیت اجتماعی تعلیم و تربیت ، تضمین اجرای آن را نیز منظور می‌دارد و معاذیر را نمی‌پذیرد و در رفع موانع ، تکلیف هر کس را روشن می‌سازد^{۱۲} .

قابسی آگاه به ارزش اجتماعی تعلیم و تربیت می‌باشد . معتقد است که مسایل باید با روش صحیح و دلایل روشن بررسی شوند و برای آنها جواب منطقی و مناسب داده شود . اصرار و دستورالعمل‌های او در تعلیم انفرادی و عمومی ، ضمن تداعی تعلیمات اجباری و همگانی ، سوق افراد به انجام وظایف و برخورد با مسایل

به روش اصولی و صحیح و درک مسئولیت و تفکر و تعمق در پاسخ مسایل است .

مناسبات حقوقی شاگرد و معلم را در مدنظر گرفته و ضمن طرح مسایل جاری و تشریح آنها ، حدود و جواب‌ها و راهنمایی‌های ممکن را نیز ارائه داشته است . صفات و مشخصات معلمین و جدی و اساسی بودن شغل و نقش آنان و سرسری نپنداشتن این نوع مسئولیت در خلال مطالب کتاب به وضوح دیده می‌شود . مهاجرت و یا جابه‌جایی معلم و همچنین استفاده موقت از اشخاص بخصوص در مواردی به جای معلم ثابت ، پذیرش یا رد هدیه و تعطیل موقت درس به علل و در مواقع خاص و اجتناب از این کار موشکافی شده و جواب مساعد و مناسب نیز داده شده است^{۱۲} .

قابسی در برنامه‌های درسی ، پس از قرآن ، آموزش زبان را مهم می‌شمارد و علاوه بر صرف و نحو و شعر ، به لزوم یادگیری حساب و فواید آن اشاره کرده و نیز اهمیت خاصی به کسب مهارت‌ها مرعی داشته است .

آداب حفظ قرآن ، روش تعلیم انفرادی و اجتماعی ، رعایت عدالت و دلسوزی و شفقت ، راه‌ها و شیوه تأدیب و تنبیه بدنی و شرایط آن ، موارد و نوع تنبیه با رعایت حدود شرعی با در نظر گرفتن نوع خطا و عدم رعایت اصول جاری درس و مدرسه و مراعات سلامتی اطفال در عمل تنبیه بدنی بسیار دقیق تشریح و توجیه گردیده است . در خلال این مناسبات و اعمال به‌طور کلی می‌توان قدرت توأم با شفقت را درک و لمس نمود^{۱۳} .

قابسی مسایل حقوقی مربوط به تعلیم و تربیت و حدود و وظایف شاگرد و معلم را با دید تجربی و تحقیقی و مطابق با قرآن و سنت و فقه مالکی و ادله عقلی و رعایت این اصول به صورت گسترده و همه‌جانبه بررسی و تشریح کرده و ضمن مهم شمردن هر مورد ، نکته‌ای را از نظر دور نداشته است .

برنامه آموزشی و نحوه تدریس مواد نظری به طبقه نسوان و صفات و

مشخصات معلمین این قشر به وسیله این مرد خدا ترسیم و توجیه شده است^{۱۵}. قابسی به سال ۴۰۳ هجری در قبروان وفات یافت و مقبره او هم اکنون زیارتگاه مردم می باشد^{۱۶}.

با يك نگرش به این نوع تلاش ها و برخوردهای جدی با امر تعلیم سواد به تمام اقشار جامعه، ملاحظه می گردد که در قرون اولیه اسلام نهضت آموزش چنان توسعه پیدا می نماید که کمتر کس علاقمند از این نعمت بی بهره می ماند. شماره مکتب ها و معلمان روبه افزایش می گذارد. به گفته ابن حوقل، در شهر پالمو نزدیک به ۳۰۰ معلم مکتب و در کلاس ابوالقاسم بلخی ۳ هزار دانش آموز تعلیم می بینند^{۱۷}. این کلام یاقوت که: « یافا » ده کم در آمد و فقیری است. کمتر نوزادی در آنجا زنده می ماند و حتی بچه ها معلم نیز ندارند^{۱۸}، ابعاد این نهضت را روشن می سازد و مثال بارزی است بر همگانی شدن و شکوفایی علم در جهان اسلام در طی این قرون.

منابع و مأخذ

- ۱- ياقوت ؛ معجم البلدان ، ج ۷ ، ص ۲ ، چاپ ۱۳۲۴ مصر .
- ۲- قابسی ؛ الرسالة المفصلة لحوال المعلمين و احكام المعلمين و المتعلمين ، ترجمة سليمان آتش و حفظ الرحمن اويمين ، مقدمه ، چاپ ۱۹۶۶ آنکارا .
- ۳- گوستاواوبون ؛ تمدن اسلام و عرب ، ترجمه هاشم حسینی ، ص ۳۱۸ ، چاپ ۱۳۲۷ تهران .
- ۴- ابن فرحون ؛ الديباج المذهب في علماء المذهب ، صص ۱۳۶-۱۳۸ .
- ۵- ابن خلكان ؛ وفيات الاعيان ، جلد اول ، ص ۴۸۲ ، چاپ ۱۲۷۵ مصر .
6. Dr. Mehmet Dag, H.R. Oymen; «ISLAM EÇITIM TARIHI» , S. 27, Ankara, 1974.
- ۷- قابسی ؛ همان اثر ، ص ۳ .
8. ISLAM EÇITIM TARIHI, S. 28.
- ۹- دکتر احمد فؤاد الاهواني ؛ التربية في اسلام و التعليم في رأى القابسی ، چاپ ۱۹۵۵ قاهره .
- ۱۰- قابسی ؛ همان اثر ، ص ۲۱ .
- ۱۱- ايضاً ، صص ۳۸-۳۰ .
12. ISLAM EÇITIM TARIHI, S. 28.
- ۱۳- ايضاً ، ص ۲۸ .
- ۱۴- قابسی ؛ همان اثر ، صص ۵۳-۵۲ .

- ۱۵- ایضاً ، صص ۳۲-۳۳ و ۵۵ .
- ۱۶- ابن خلکان ؛ وفيات الاعیان ، جلد اول ، ص ۴۸۲ + قابسی ؛ همان اثر ، مقدمه .
- ۱۷- دکتر احمد شلبي ؛ تاريخ آموزش در اسلام ، ترجمه محمد حسين ساکت ، ص ۵۱ ، چاپ ۱۳۶۱ تهران .
- ۱۸- ياقوت ؛ معجم البلدان ، جلد ۸ ، ص ۴۹۲ .